

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

۱۷ مارچ ۲۰۰۹

نویسنده و شاعره خوش ذوق افغان، خانم لیزا سروش!
بهاریه زیبا و خوشریخت تان مواصلت کرد، که با کمال میل زینت بخش صفحه ۱۸ مارچ ۲۰۰۹ پورتال
"افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" میگردد. بدین وسیله قدوم شما را به پورتال نکو داشته و آرزومند تداوم
همکاری شما میباشیم. موفق و سرافراز باشید.

با تقدیم محبت

اداره پورتال AA-AA

لیزا سروش

۱۷ مارچ ۲۰۰۹

بهار میرسد

بهار میرسد اما شبخونیان
کنار ایوان فانوس تازیانه باد
رویش زرد گیاه فاجعه را صدا می زنند
بهار میرسد اما هجوم باران به پاسداری باد
به هجای خواب جوانه ها آمده است
و پرندۀ شب
امید غریو بر میدارد
تا سرود چکاوکها و قراولان گل ها
با لنتر از بادهای سرگردان
از آشیانه بیرون آیند
و زهر حادثه بر گلوی پاییز ریزند

بهار میرسد اما تنه رگبار جنگل را
برگ سبز در شاخسار نیست
دریا در تلاطم زورق زرین صبح
روی کدام آسیان شفق آبرو ریزد؟
وقتی که گلها همه پژمرده اند
وقتی که دشت ها همه خونین اند
وقتی که آدمی از گنبد گردون گذشته است
وقتی که پرنده در جوهر شب به سوگواری شاخه ها می گرید
" کجاست صدای سبز جنگل؟ "

وقتی که خیل گرسنگان را
در کشتی بی لنگر
سوی ساحل گمنام
سوغات می برند
وقتی که انبوه کشتگان را با تیشه فاجعه به
گیسوان شرق می سپارند
وقتی که درخت آزادی را
با انگشتان گشوده شان خون می کنند
آیا کسی گسیوان بهار را
هرگز ز بام سرخ شقایق لمس تواند کرد؟

بهار میرسد، اما دشت ها در اندوه تلخ
زان همه شور نشاط
سنگلاخی خشک بر جا مانده است
آسمان با ابر تنها مانده است
جای شالیزار سبز
جای نوشخند مهر، دهقانان شاد
جای آهنگهای رود
خارهای ناسزا پا مانده است